

A portrait of a woman with dark hair, wearing a dark jacket over a white collared shirt. She is smiling slightly and looking towards the camera. The background is dark and textured. The bottom half of the image is filled with a dense field of red flowers, possibly tulips, with some in sharp focus in the foreground.

مانیقاht آزادی

زیلان

# زیلان مانیفست آزادی



نام کتابچه: زیلان مانیفستِ آزادی

نویسندگان: زیلان (زینب کناجی)

موضوع: شهید زیلان، نامه‌ها

گردآوری، ترجمه و طراحی: کمیته‌ی مطبوعات پژاک

چاپخانه: شهید جگرخوین

سال چاپ: تیرماه ۱۴۰۲

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰

# فهرست

- ۱ پیشگفتار
- ۵ رهبر آپو: زیلان مانیفست زندگی ماست
- ۱۳ پاژک: رفیق زیلان راه پیروزی است برای کسانی که بر هدف تمرکز می‌کنند
- ۱۷ نامه‌های شهید زیلان
- ۱۸ برای مبارزان آزادی زن در کوهستان
- ۲۳ برای خلق میهن‌دوست کوردستان و تمام انقلابیون
- ۲۹ برای رهبر آپو
- ۳۸ آلبوم عکس شهید زیلان





## پیشگفتار

زیلان نامی است که حتی برای اولین بار نیز آهنگ این نام نیز به گوش انسان خوش آوا می‌آید و اکنون در هر چهار بخش کوردستان این نام بر دختران کورد نهاده می‌شود. زیلان تنها یک نام نیست، بلکه پژواک آوایی است که از ژرفای تاریخ بشریت به زمانه‌ی ما راه یافته است. زیلان سمبل الهه‌های زنی است که دورانی انسان را با فرهنگ آزادی و زیبایی پرورش می‌دادند. دوران‌هایی که روح و روان انسانیت در اسارت نبود و انسان در پیوند با طبیعت آزادانه می‌زیست، بدون اینکه در تضاد با دیگران به سر ببرد یا زندگی‌ش سرکوب گردد. زیلان بازگشت ابدی روح آزادیخواهی است که هر بار در شخصیتی تاریخی نمود پیدا می‌کند. زیلان مانیفست آزادی است.

زیلان درسیم با نام واقعی زینب کناجی در سال ۱۹۷۲ زاده‌ی شهر ملاطیه می‌باشد که از نوجوانی در پی یافتن آزادی بود و جستجویش در راه آزادی او را به پ.ک.ک رساند. در سال ۱۹۹۴ به امور سازماندهی خلق پرداخت و یک سال بعد به صفوف گریلا پیوست، علی‌رغم اینکه فرصت نشد تا آموزش‌های عالی درون حزب را طی نماید، اما به دلیل عزم راسخ و تلاش‌های فردیش به‌ویژه با خودآموزی توانست به سطح بسیار بالایی از تحلیلات اجتماعی، سیاسی و نظامی دست یابد، بدون شک این پیشرفت را به دلیل تلاش‌های به‌وقفه، درک صحیح آموزه‌های رهبر آپو، پی بردن به گوهر راستین روح مقاومت طلب پ.ک.ک به دست آورد. در این کتابچه نامه‌های شهید زیلان را برای اولین بار به زبان فارسی ترجمه کرده‌ایم، خواننده خود با مطالعه‌ی



این نامه‌ها درمی‌یابد که ما نویسندگان این مقدمه، ناتوان از معرفی شخصیت زیلان هستیم و تنها خود او و رهبر آپو هستند که می‌توانند بیان‌کننده‌ی حقیقت زیلان باشند. در سال ۱۹۹۶ پس از اینکه ترور رهبر آپو از سوی رژیم اشغالگر ترکیه ناکام ماند، شهید زیلان تصمیم گرفت تا به فاشیسم پاسخی درخور دهد، چرا که دشمن تا به این اندازه جسارت پیدا کرده بود که رهبر آپو را هدف قرار دهد، عملیات فدائی شهید زیلان در تاریخ ۳۰ حزیران (۹ تیرماه) ۱۹۹۶، همزمان که ضربات مرگباری بر ارتش اشغالگر ترکیه وارد ساخت، ایستار فدائی مبارز آپوئی را به همگان یادآور ساخت، تا همگان بدانند که مبارز آپوئی تسلیمیت را خیانت و مقاومت را زندگی می‌داند.

اکنون که در شرق کوردستان و ایران شاهد انقلاب «زن زندگی آزادی» به پیشاهنگی زنان هستیم، بهترین فرصت است تا برای پیشبرد راستین این انقلاب و برای درک بهتر شعار «زن زندگی آزادی» این نامه‌ها را بخوانیم، برای ما که این نامه‌ها را چندین بار در طول حیات‌مان خوانده‌ایم، با هر بار خواندن نامه‌ها هیجانی بیشتر را حس کرده‌ایم، هر بار خواندن این نامه‌ها همچون نوازشی دلنواز بر روح‌مان می‌باشد. خواندن این نامه‌ها، شهادت زنانی همچون ژینا، حدیث، نیکا، سارینا و دیگر شهیدان این انقلاب را معناپذیرتر می‌سازد و به ما این درک را می‌دهد که چرا «آزادی» چنان اهمیتی دارد که حاضریم جان‌مان را برایش بگذاریم. در ضمن این نامه‌های مملو از معنویات و احساسات پاک، به ما خوانشی صحیح از موقعیت زندگی‌هایمان ارائه می‌دهد، اینکه چگونه خلق‌ها توسط نظام جهانی هژمونیک سرمایه‌داری، حکومت‌ها و دولت‌های فاشیست به بردگی کشانده شده‌اند و زندگی‌هایمان را به اسارت درآورده‌اند. شعار «زن زندگی



آزادی» قلب میلیون‌ها انسان و به ویژه زنان را درنوردید، چرا که زنان در بند هزاران زنجیر سیستم‌های مردسالاری به سر می‌برند و زندگی راستین از زنان دریغ شده‌است، پس آزادی هنگامی است که زنان همچون پیشاهنگان زندگی اجتماعی در راه آزادی به مبارزه‌ای بی‌امان بپردازند. زیلان نماد زن آزاد است و فراخوانی برای همه‌ی زنان است تا حتی در تاریک‌ترین لحظات، به روشنایی راه مبدل گردند و تا رسیدن به آزادی حقیقی از پای ننشینند. روح مقاومت شهید زیلان بدون شک انرژی و نیروئی است که الهام‌بخش تمامی فرودستان و به ویژه زنان گشته تا برای دستیابی به آزادی به‌پاخیزند. زیلان عاشق زندگی، زنان، انسان و طبیعت است و او خود برای چنین ارزش‌های بنیادینی دست به عملیات فدایی پیروزمندان‌اش زد. زیلان یک پیام است برای آنان که خواهان آزادی هستند و کسانی که آزادی را از آب و هوا و نان برای خود ضروری‌تر می‌دانند، درک می‌کنند که زیلان امید انسانیت در جهان سرد شده و تهی از معنا شده‌ی عصر ماست. زیلان همه‌ی آن ارزش‌های والای انسانیت برای برپایی یک زندگی آزاد است که هیچ سازشی با بردگی، مردسالاری و اقتدار ندارد. زیلان مبارزه‌ای بی‌امان با همه‌ی دیکتاتورها، جلادان و فاشیست‌های روی زمین است، و در این مبارزه تنها زیلان است که پیروز میدان می‌باشد و دشمنان آزادی، مدام شکست می‌خورند. زیلان نمود حقیقی اراده‌ی انسان است که در ایستار خود، یک تنه اراده‌ی تمامی خلق‌ها و زنان را زنده گردانید. زیلان همانگونه که رهبر آپو می‌گوید مانیفست آزادی زندگی است و اکنون فرمانده و راهنمای همه آزادی‌خواهان برای بر ساخت یک جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک است.

کمیته‌ی مطبوعات پژاک





# زیلان مانیفست زندگی ماست

عبدالله اوجالان





مشهود است که کوردها تاکنون درکی از عشق نداشته و عشقی را تجربه نکرده‌اند. حتی مم و زین احمدخانی از کنار عشق هم گذر نکرده است. به جای عشق، از گفته دیگری استفاده شده است. فرجام اینکه، زین زبان بسته حتی قادر به ایستادن روی پای خود نبوده و مم هم نمی‌تواند دو گام بردارد. یعنی دارای هیچ‌گونه توانی نیست. در آن داستان و عشق کلاسیک بزرگ، عشق دیگر به وضعیتی گرفتار آمده که بحث ناپذیر است. خلاصه اینکه، هیچ کس قادر نیست در مورد یک عشق زیبا چیزی به نگارش در بیاورد. اکنون چندان مهم نیست که ما در اینجا تا چه حد عشق را آفریده و یا نیافریده‌ایم، ام دارای یک ادعا و عمل‌گرایی هستیم. سعی می‌کنیم با زن این را تحقق بخشیم. مهم نیست چه کسی چه‌نامی بر آن خواهد گذاشت، من آمادگی خود را اعلام داشتیم. همراهان مان، زنانی را که از آنها تأثیر پذیرفته و کسانی که بر آنها تأثیر گذاشته‌ایم نیز در عرصه میدان هستند. بدون شک شاید هم آنها انتظار بیشتری از من دارند، اما آنچه در ما به تحقق رسیده، همین است. خواستم بدین وسیله، در حدی که انتظار می‌رود، نمایانگر انسان بودن و حتی مرد بودن باشم.

«کشتن مرد» یکی از گفته‌های من است که طی ساله گذشته بطور فراوان آن را بکار گرفتم. کشتن مرد به معنی کشتن همه جانبه مردی است که در مقابل زن، موضعی پلید بسان یک ستمکار، مستبد و مصرف‌گرا را داراست. هر مردی، به‌خصوص مردهای صفوف ما ناگزیرند آگاه باشند. با مردهایی که درمقابل زن این‌گونه‌اند چکارکنم؟ این مرد بودن در واقع، مردبودنی است که چیزی از دستش برمی‌آید. قادر به انجام جنگی درست و حسابی نبوده و نمی‌تواند یک تاکتیک درست و حسابی را اجرا کند. روشن است که این مرد نزد دختران و زنان بیدار شده کورد بی‌ارزشند؛ در مقابل



عظمتی به مانند زیلان، مرد بودن کلاسیک هیچ ارزشی نخواهد داشت. همه باید بدانند دیگر انقلاب از برخورد مبنی بر صرف غرایز جنسی با یک زن گذار کرده است. دیگر باید درک نمود رویدادی که به منزله‌ی زن تعریف می‌گردد سرنوشت ساز و عمل محور می‌باشد. به این سبب، به میزان رک‌گویی، ارتقای خود به جایگاهی قریب به برابری و آزادی مهم است. بجز این به هیچ‌وجه دیگری با زن نمی‌توان وصال و گفتگو نمود. اگر احترام، بزرگ منشی و ثباتی وجود داشته و مردهای مان مستلزمات این را بجای آورند، می‌توانند یک زن بیابند. چرا تا این حد زنان به ما پایبندند؟ عموماً مردهای مان حسودند. حتی پایبندهای بزرگ هیچ مشکلی برای من تشکیل نمی‌دهد. مسئله مهریه در جامعه این طور است، در صفوف ما نیز با پناه جستن و نمایش مقام و قدرت، نمی‌توانید یک زن را به دست بیاورید. راه به دست آوردن یک زن، به شیوه‌ای خواهد بود که زیلان خویش را صرف آن می‌کند.

اگر توجه کنید من و این هم‌ره زن‌مان باهم هیچ‌گونه آشنایی نداریم، اما توانسته بزرگ‌ترین پایبندی‌اش را نشان دهد. این یک نکته بسیار مهمی است. سعی می‌کند چگونه بودن مرد برای زن را روشن سازد. اگر اندکی بتوانید آنچنان باشید، معلوم است که یک زن چگونه می‌تواند پایبند گشته و نه تنها این، بلکه چگونه قهرمان گردد. اگر قادر به درک این نشوید، بطور یقین نمی‌توانید خود را مرد بنامید. در یک جایی دیگری خارج از صفوف‌مان شاید بتوانی خود را مرد بخوانی، اما در واقعیت خویش امیدواریم که این را برای تمامی خلق‌مان به ارمغان بیاوریم. ابراز احترام به این شخصیت نیز به گونه دیگری امکان پذیر نیست.

همچنین به این هم بسنده نکرده و آشکار می‌سازد که نمونه انسان نوین برای یک زن تا چه حد مهم است. اگر وجدان و اندکی هم قدرت



دارید، بایستی از خودتان بپرسید که من مدام نگویم زن طبق امر و خواسته‌های من چطور باشد، پس من چگونه مطابق زن باشم؟ حال باید این پرسش سرنوشت سازتر را بپرسید که چرا از هر نظر زن باید طبق میل تو باشد؟ آیا برای این است که کمی صاحب پول، مال و ملک هستی؟ آیا به این جهت که کمی قدرت جسمانی داری؟ روشن است که با این ها نمی‌توان هیچ گونه عشق و محبتی را به دست آورد. این گونه شخصیت‌ها خواستار آناند طی صدها سال زن را به خود وابسته سازند. بفرمایید، علیه این، یک قیام بزرگ شکل گرفته است. من به این احترام قائل شده و از انجام رهبریتش نیز احساس افتخار می‌کنم. از رهبر بودن چنین زنانی نیز لذت فراوانی می‌برم. زندگی کردن این چنینی با آنها هیچ ایرادی ندارد. از تکوین ارتش زنان و از اینکه بزرگ‌ترین پشتیبان آنها هستم نیز به خود می‌بالم. چرا این‌ها با سخنانی ارزان ارزیابی می‌شوند، یاری رسانی به تکوین ارتش چنین زنان قهرمانی چرا به موضوع بختان مبدل می‌شود؟ زنانی که هر کدام از آنها می‌توانند به قهرمانی بزرگ مبدل گردند. چونکه همسر ندارید حسادت می‌برید، این مشکلی جداگانه است. شما هم قهرمانی کنید، شما هم شخصیتی طبق رغبت زنان نمایان سازید که این زنان هم هم‌مره و نامزدتان شوند، اما این توان را نشان نمی‌دهید، البته که در این سرزمین زنی نخواهید داشت.

براین مبنا هرچه بیشتر از توانم استفاده خواهم نمود. من یک انتقام جویم. شما اصلاً از کشورتان صیانت به عمل نیاورده، در راه آزادی، کاری از پیش نبرده و هیچ ارتباطی میان گفتار و کردار برقرار قبول نیست. شخصیت زیلان این را با خاک یکسان کرد. به خصوص در صفوف حزب‌مان هرکسی باید بداند که بیهوده، این سخنان بیان نشده‌اند. اگر نیاز باشد مردبودنی را تحقق خواهم بخشید که عموم زنان بتوانند به آن





پایبند شوند. به حدی ارتقا می‌یابم. که صورت هم می‌دهم. که آنها از لحاظ معنوی توانمند گشته و نسبت به هیچ مردی احساس وابستگی نکنند. زنان با اشتیاقی بزرگ، این را نگاه خواهند داشت، اما این به تنهایی کافی نیست. دلم می‌خواست که تمامی مردهای مان، کم و بیش بر این اساس، در شخصیت خود احساسات و اندیشه‌های هم‌رهان زن را به درستی بنمایانند.

از همه مهم تر نیز، زندگی بدون میهن، آزادی و بدون جنگ و پیروزی امکان‌پذیر نیست. برای همین، زنی هم در کار نخواهد بود. تا زمانی که این درک نگریدید، زیلان و زن ملتان آزاد را نیز درک نخواهید نمود. می‌پرسم آیا در میان همه مردان و یا هم‌رهان حزب‌مان کسی وجود دارد که بخواهد با زن زندگی کند؟ ای کاش می‌توانستید زنی را دوست داشته و اندکی بدین لحاظ دل و وجدان داشتید تا که شخصیت‌تان کمی جان می‌گرفت! من می‌خواهم راهگشای این باشم. باید بدانید که با سخن ارزان، مباحثی پیش کشیده شده، در موردمان ارزیابی‌های نادرستی انجام خواهد شد و می‌خواهند راهگشای این باشند.

زن هستی‌ای است که باید شرافتمندانه و مقدس و همراه با ارزش‌های عظیم با او زندگی کرد. می‌خواهم معنای این را دریابم. آیا می‌توان مشارکتی ارزشمندتر از این در زندگی داشت؟ اگر دلیری و مردانگی دارید، آیا کوششی ارزشمندتر از این وجود دارد که در این مورد خود را نشان دهید؟ طی یک سال اخیر خواستم این‌گونه احساس و اندیشه‌ها را از هر لحاظ رشد دهم. با اندک موفقیت‌های کسب شده در جنگ، خودستایی نخواهیم کرد. در واقع، از این‌ها هم ناخرسندیم. هیچ‌گاه از دیدگاهی سادیسمی به جنگ نگاه نکرده‌ایم. نمی‌گوییم چون به سرباز و خائن ضربه وارد می‌سازیم، لذت می‌بریم. به این جهت که این‌ها در مقابل





زندگی به مثابه مانعی قد علم کرده و لحظه به لحظه می‌خواهند ما را امحا کنند، با آنها در جنگیم. وگرنه در این جهان، اگر کسی فاقد توان جنگ وجود داشته باشد، آن نیز منم. چرا که زندگی راه دیگری ندارد. در این باره هر روز فراخوان داده و می‌گوییم از طریق راهکاری انسانی، یعنی بدون کشت و کشتار و تخریبکاری، چندی ازمشکلات این خلق را با گفتگو حل و فصل نمائیم، اما این‌ها قلب ندارند، بی وجدان‌هایی بزرگ‌اند. حتی نمی‌خواهند درک کنند حقوق یک خلق کدام‌اند، حسرت و آرزوی انسان‌های تحت فشار چیستند. تحت لوای «اتحاد و تمامیت ملی» مفهوم «یک خلق نابود شود، کلیه انسان‌ها از زندگی حذف شوند» مطرح می‌باشد. این، برای آنها گویا شرافت است. با بسیار خوب بر این شرف واقفیم؛ نمونه‌های تاریخی این بسیارند.

ما جهت دفاع از خود وارد جنگ با چنین قدرت‌های ظالمی گشته‌ایم که جز فروپاشی و امحا کردن ناحق و کورکورانه، هیچ هدف دیگری ندارند، اما جنگ اصلی ما جهت معنا بخشیدن به زندگی بربادرفته‌مان است. این جبهه حداقل به میزان جبهه جنگ دارای اهمیت بوده و براین باوریم که یک زندگی دلپذیر، دوست داشتنی و همراستا با سطحی که باید در روابط زن. مرد به دست بیاید احتمال تحقق یافتن دارد. به گمانم می‌توانم زن را به صورتی که شخصا قدرت تصمیم‌گیری داشته و به گفتگو بپردازد، همچنانکه در شخصیت زیلان نیز مشاهده شد قادر به کسب ژرفای عاطفه و معنا باشد، پیشرفت دهم. سعی می‌کنم در این باره بایسته‌ها را انجام داده که این، صحیح‌ترین کار است، به‌ویژه برای جامعه ما یکی از مقدس‌ترین وظایفی است که باید انجام گیرد.

نخست برای خلق و دوستداران محترم و ارزشمندمان و کسانی که در مورد زندگی درون حزب‌مان می‌خواهند ژرفای مشخصی به‌دست‌آورند، این‌ها



را بیان می‌نماید که اگرچه دشوار هم باشد، حتی از جنگ هم سخت تر باشد، خلاف بسیاری از آداب و سنن، ارزشهای روحی و یا اخلاقی و دینی که به آنها پایبندید باشد نیز، ناگزیرم راه زندگی نوین را بدین شکل بکشایم. می‌توان گفت دین، اخلاق و آداب‌مان چنین می‌گویند؛ برای من اینها مهم نیستند، زیرا این بی‌وجدان‌ها وطن‌مان، زندگی و زن و مرد را نابود خواهند ساخت. من چنین نیتی ندارم زندگی سهل و ارزان را تداوم بخشم. درست به این صورت که در اینجا برآن تأکید شده، پایبند به این مبدأ هستم که « باید ادعا و زندگی بزرگ باشد.» در راستای این مبدأ هر آنچه نیاز باشد انجام خواهیم داد. هیچ یک از افراد دیندار قادر به انجام جنگی تا این حد بزرگ نیستند، ولی در پ.ک.ک یک دختر جوان ملیتان آزادی‌قادر به نمایش این توان شده است. در هیچ یک از آداب، سنن و اخلاقی نمی‌توان این عشق و وجدان را مشاهده کرد. آری این، در اخلاق و آرمان آزادی نشان داده شده است.

عموم خلق، دوستداران و تمامی ملیتان‌های مرد و زن درون حزب‌مان، باید حول زندگی با رهبری متوجه یک تحول باشند. فروتنانه و درست زندگی کردن با زن به جنگ هم قدرت خواهد بخشید. این، چنان که پنداشته می‌شود به خود پرستی نخواهد انجامید. هر کسی تصور کند که به خودخواهی منتهی می‌شود در اشتباه است. با زن بودن، توجیه‌گر جنگ است. هرکس باید بداند که در سال‌های اخیر به میزان همراهی‌ام با زنان، به همان اندازه نیز توانسته‌ام رزمنده‌ای بی‌امان باشم. مرد کلاسیک اگر زنی را گیر بیاورد، در یک چشم بهم زدن، به جنگی که در آن پیروز شده خیانت خواهد کرد. این مرد، در نزد من بی‌ناموس‌ترین مرد است. این شخصیت می‌تواند یک زن هم باشد، اما هرگز فکر نمی‌کنم هیچ یک از زنان پیرامونم، مرا از جنگ حذف کنند. در اصل، خود زیلان بر همگان



روشن است؛ با زیلان بودن یعنی انجام بزرگ‌ترین عملیات جنگ. آیا می‌خواهید با زن باشید، در این صورت باید بزرگ‌ترین رزمنده باشید. با بزرگ‌ترین میهن‌دوستی و بزرگ‌ترین آزادی همراه باشید. همچنین اگر زنی خواهان مرد است، بایستی با انسان نوینی که در شخصیت من پرورش یافته همراه باشد، یعنی به مانند هم‌ره زیلان باشد. جز این توجیه دیگری ندارد. نباید بگوید (درک نکردیم، توانش را نداریم). آنچه را که مقدس خوانده و قراردادی را که بی‌نهایت در قلب و مغزمان بدان متعهد بودن می‌نامیم، این است.

من این را مانیفست زندگی نامیدم. از این پس در این سرزمین، زندگی میان زن و مرد این خلق، مطابق این مانیفست خواهد بود. با ظهور زنان ملتتان ارزشمندی، می‌خواهم اندکی بیشتر این را به اثبات برسانم. خواستم با آوردن زنان دلیر جلوی دیدگان مردان و در صورت لزوم، ترغیب بیشتر آنها به رزمندگی و اگر ممکن شد، کمی به وجدان و جنگ فرا بخوانم. همچنین خواستم جهت پایبند کردن شان به یک شور بزرگ به زندگی، معنا و اهمیت زن را نمایان سازم. پیشرفت‌های محدودی انجام می‌گیرند، اما به نظر من جالب اند. این زندگی آنچنان که بسیاری‌ها می‌پندارند، بدون ژرفای فکری و وجود یک روح بزرگ آفریده نشده است. شهدای زن در پ.ک.ک مطابق این مانیفست ظهور می‌کنند. می‌خواستم پیروزی کامل این‌ها را تحقق بخشم. سعی می‌کنم همه چیز را نیز دیوانه‌وار انجام دهم تا قدرتم کفایت مرا داشته باشد. ولی شاید این کافی نباشد. هرآنکه با شهدا سوگند پایبندی یاد کرده، در حد امکان در زندگی روزانه‌اش ادعایند و عمل‌گرا ظاهر گردد. به نظر من حتی یک فرد عادی اگر مدعی و عملیات‌گری بزرگ شود، می‌تواند هم جلوه‌گر زندگانی و هم به میزان نیاز رزمنده آن بوده و پیروزی را نیز قطعی سازد.





در نخستین سال گرامیداشت آن شهید و عملیات بزرگ نوازی قرار داریم. بدوم شک گفتار همره زیلان برحق بوده و ادعا و شور زندگی اش بی نهایت اصیل است. ما بدین جهت که راهگشای این شده ایم ابراز خوشبختی کرده و چون پیروزی نهایی آن را تحقق بخشیده ایم، هنوز در نگرانی و شرمساری بسر می بریم. اما جهت گذار از این نیز قطعا تلاش های بی امان مان را تداوم خواهیم بخشید. همچنانکه لحاظ بطور حتم نه تنها خط مشی جنگ، بلکه شخصیت پیرومند زندگی نیز در مانیفست زیلان معنا یافته است. از این پس، زندگی در تطابق با این مانیفست و این سوگند معنا خواهد یافت. ما کوشیدیم برغم کلیه نواقص مان، اشتباهات و خطاهای مان، ملزومات این را اندکی بجای آوریم. ایمان دارم که از این پس با نزدیک تر شدن به نکات درست، آگاهانه تر، جسورانه تر، هوشیارانه تر و به منزله انسانهای با احساس، بایستگی های زندگی را نیز بجای آورده و به میزان جنگ، پیروزی زندگی را نیز حتمی خواهیم ساخت.





## رفیق زیلان راه پیروزی است برای کسانی که بر هدف تمرکز می‌کنند

بیانیه پاژک به مناسبت سالروز شهادت رفیق زیلان



پاژک: رفیق زیلان راه پیروزیست برای کسانی که بر هدف تمرکز می‌کنند

در بیانیه هماهنگی پاژک (حزب آزادی زنان کوردستان) آمده است:

آزادی به فلسفه زندگی، درک مبارزه، ایستار، سبک و کنش تبدیل می‌شود. رفیق زیلان زینب کناجی با تبدیل فلسفه رهبری به درک زندگی و مبارزه، خط عمل، سبک و تاکتیک به نقطه عطفی در تاریخ تبدیل شد و نشان داد که یک فرد می‌تواند پیشرفت‌های تاریخی داشته باشد که در صورت لزوم مسیر تاریخ را تغییر دهد. در اولین مراحل رشد توطئه بین‌المللی در ۶ می ۱۹۹۶، رفیق زیلان در برابر حمله نابودسازی سازمان یافته که مستقیماً علیه رهبر آپو صورت گرفت، با ظهوری فدائیان در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۶ پاسخ داد و مبارزه را به اوج رساند. رفیق زیلان- زینب کناجی اصل و معیار انقلابی زنان و مردانی است که به خودسازی حزبی می‌پردازند. رفیق زیلان ایستار عملیاتی و حیات فدائی جوهره تکوین حزبی است، ملاک و معیار سطح مشارکت در خط‌مشی رهبر آپو است. زیلان راه پیروزی کسانی است که تا سلول‌های خود علیه هر نوع حملات غیرانسانی و خصمانه، نسل‌کشی، نابودسازی و انکار قیام می‌کنند و در خط‌مشی پیروزی از خود مایه می‌گذارند و بر هدف تمرکز می‌کنند. از این نظر اقدام ایثارگرانه رفیق زیلان علیه نیروهای ارتش ترکیه صرفاً یک اقدام نظامی موفق نیست. رهبر آپو آن را یک اقدام نظامی تعریف نکرد، بلکه فراتر رفت و با تکوین حزبی زنان به پیام آن و فراخوان نامه رفیق زینب کیناجی معنا و ارزش بخشید. نه اقدامات و نه پیام زنانی که چنین عشقی به مبارزه داشتند نمی‌توانست معمولی باشد. این فراخوان دستوری برای



گسترش دادن مبارزات آزادی بود. رهبر آپو در برابر چنین عظمت و قداست شهادت، رفیق زیلان را فرمانده و خود را نیز به عنوان یک مبارز تحت امر وی تعریف کرد. زن سربلند در شخص رفیق زیلان منادی ایدئولوژی نوین زندگی اجتماعی، تعیین‌کننده روابط آزادانه و برابر و نظام دموکراتیک و آفریننده امید و راهنمای زنده‌نگه‌دارنده آن بود. رهبر آپو این پیشرفت تاریخی را واقعیت و خط‌مشی زیلان‌شدن در مبارزه آزادی زنان تعریف کرد و با اعلام ایدئولوژی آزادی زن در ۸ مارس ۱۹۹۸ آن را با تأسیس حزب زنان، جایی که مانیفست آزادی زنان ما شکل خواهد گرفت، تجلیل کرد. پاژک به عنوان مجموع ارزش‌های انباشته شده به نفع آزادی در کوردستان، مقدس‌ترین فعالیت سوق‌دهی به سوی انقلاب زنان خاورمیانه توسط حزب آزادی زنان است. شخصیت رهبر آپو به عنوان دکترین حقیقت و زیلان به عنوان مبارزان حقیقت، اراده و مقاومت برای تغییر نظام مردسالار دین‌گرا، جنسیت‌گرا و ناسیونالیستی و پیشبرد سازماندهی، دفاع و تداوم حیات آزاد دموکراتیک است. جواب سوال اینکه بر مبنای حقیقت زیلان چگونه زندگی و مبارزه کنیم؟ پیشبرد سازماندهی واحدهای دفاع ذاتی زنان تحت رهبری پاژک و ساختن یک نظام اجتماعی جدید مملو از ارزش‌های آزادی زنان است. زیلان به عنوان روح آزادی‌خواهی زنان کسانی تبدیل شد که می‌توانند نه تنها دست از زندگی فردی خود بردارند، بلکه آنقدر مشتاق آزادی باشند که خود را فدا می‌کنند. زیلان بر ضد نظام مردسالار، رژیم‌های زن‌ستیز و ضد مردمی، دشمن استعمارگر و نسل‌کش خیزشی اجتماعی و مانیفست انقلاب زنان است. خط‌مشی ژن، ژیان، ئازادی که امروز به دنیا تعلق یافته است، ارزش جهانی





خطمشی زیلانی‌شدن را آشکار می‌کند. روند مقابله زیلان‌آسایی با دیکتاتورهای زن‌ستیز و ساختارهای فاشیستی، از اعمال خلاقانه کارزار، ژن، ژیان، نئازادی پیش به سوی انقلاب زن، ما و به پیروزی رساندن آن می‌گذرد.

از بین بردن خطرات ناشی از نیروهای نظام سرمایه‌داری علیه رهبر آپو، در گرو زندگی و مبارزه در امتداد خطمشی زیلانی میسر می‌باشد. رفیق زیلان با این اقدام خود، به پیشاهنگی روند پرداخت و عمق و مرحله را به سطح دفاع از رهبری بخشید. پیشاهنگی زیلان‌آسای فرایند و با برجیدن انزوای علیه رهبری، تضمین آزادی جسمانی رهبر آپو است. دولت فاشیست آ.ک.پ- م.ه.پ در شخص رهبر آپو سعی دارد با اعمال قوانین ویژه در مورد کوردها، سیاست وحشیانه منسوخ خود را عادی کند. ما می‌توانیم با رادیکال کردن مبارزه علیه دولت فاشیست ترکیه، که انزوا را سیستماتیک کرد و قانون جدیدی را در قوانین جهانی قرار داد، به عدالت واقعی دست یابیم. علیه نهادهای بین‌المللی و کشورهای اتحادیه اروپا که به خاطر منافع خود مسئولیت خود را بجا نمی‌آورد و قانون را زیر پا می‌گذارند، مشارکت و به موفقیت رساندن کمپین، زمان آزادی رهبر آپو فرا رسیده است، با روحیه زیلان‌آسا ضروری است. ما بار دیگر بر عهد خود برای جاویدان نگه داشتن شهدایمان بر اساس پیروزی تاکید می‌کنیم.





## نامه‌های شهید زیلان



برای مبارزان آزادی زن در کوردستان





مبارزه‌ی رهایی ملی ما که با رهبریت رهبر آپو و پ.ک.ک پیش می‌رود، حقیقت توسعه نیافتگی‌ای که در جامعه‌ی کوردستان وجود دارد را درک کرده و در تلاش است تا این مسئله را به صورت ریشه‌ای حل نماید. در جامعه‌ی ابتدایی زنان از لحاظ اجتماعی دارای نقش مهمی بوده‌اند زیرا که زنان سرچشمه‌ی تولیدات و محصولات زندگی بوده‌اند. در نتیجه‌ی به وجود آمدن محصول مازاد و به انحصار درآمدن محصول مازاد توسط مردان، جامعه‌ی طبقاتی ایجاد شد و این نیز آغازی بود برای سلب آزادی از زنان و سوق دادن آنان به سوی نابودی. در طول تاریخ و در سیر تحول جوامع از (برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و امپریالیسم)، سرکوب زنان به شیوه‌های متفاوتی انجام گرفته شده و امروزه نیز تحت لوای آزادی وحشتناک‌ترین شیوه‌ی سرکوب علیه زنان در حال وقوع است.

برای آزادی انسانیت در همه‌ی عرصه‌ها و از میان برداشتن تمامی تبعیض‌های طبقاتی و زمینه‌سازی برای برساخت یک زندگی آزاد و برابر، تئوری سوسیالیسم علمی پا به عرصه گذاشت. این نیز فرصتی فراهم آورد تا زنان بتوانند زندگی انسانی داشته و ضمانتی بر تداوم این فرصت باشد. هرچند که سوسیالیسم رئال درصدد بود تا فرمی به زندگی زنان بدهد، اما با انحراف از راه و روش سوسیالیسم علمی، عدم نگرستن به مسئله‌ی آزادی زنان مبتنی بر اصول آزادی و تعریف این مسئله‌ی [آزادی زنان] همچون زیرمجموعه‌ی مسائل کلی، و بسیاری دلایل دیگر، پیکار و تلاش برای آزادی زنان محدود مانده بود.

وقتی که به جامعه‌ی کوردستان نگاه می‌کنیم، سرکوب و استعمار زنان به وضوح دیده می‌شود. و به همین سبب است که مسئله‌ی زنان در کوردستان عمیق‌تر می‌باشد. قبل از به وجود آمدن مبارزه آزادی



خواهی ملی‌مان، نمی‌توانستیم از موجودیت و اراده‌ی زنان صحبت کرد. چیزی به اسم زن وجود نداشت و همانگونه که شاعر نامدار ترک (ناظم حکمت) می‌گوید: «جایگاه زنان بر سر سفره‌ی غذا، بعد از گاو زرد است». به همین سبب تلاش [و مبارزه‌ای] که در جهت حل مسئله‌ی زنان انجام داده می‌شود در چنین وضعیت ناگواری، باید متناسب با سطح ژرفای مسئله باشد. همانگونه که می‌دانیم، نصف جامعه از زنان تشکیل شده است و تا زمانی که مسئله‌ی آزادی زنان حل نشده است، نمی‌توان از آزادی جامعه صحبت کرد.

رهبریت حزب‌مان همانگونه که برای تمامی مشکلات پیشاهنگی نموده‌اند، برای مسئله‌ی آزادی زنان، هم از لحاظ تحلیل و هم چاره‌یابی آن نیز، پیشاهنگ هستند. این نیز به صورت مستقیم بر وضعیت زنان تاثیرگذار بوده و آنان را به درجه‌ای رسانده است که فرصت‌های زیادی را در جهت پیشرفت، بدست آورده‌اند. باید این حقیقت به خوبی درک شود که آزاد نمودن و پابرجاماندن زنان، کار آسانی نیست و به زمان و تلاشی همه‌جانبه نیاز دارد. از این لحاظ، گام‌هایی را که حزب‌مان پ.ک.ک برداشته است، برای تسریع پروسه‌ی آزاد کردن زنان است. تلاش برای آزادسازی زنان یک گام بسیار مهم و پرثمر می‌باشد و به همین سبب، هر کسی که در خط مشی رهبر آپو باشد، باید بیشتر مبارزه کند، رنج و تلاش پیشه کند و فدایی باشد. زنانی که بتوانند این کارها را انجام دهند، موج‌وار به صفوف مبارزه آزادی می‌پیوندند و گامی به سوی آزادی برداشته‌اند. ویژگی‌های ارتجاعی‌ای که در شخصیت ما زنان نهادینه شده است، از دلایل بنیادینی هستند تا پیکار و تلاش‌های رهبری می‌باشد آنگونه که باید، نتیجه نگیرند و ما زنان را نیز ضعیف می‌گرداند. در حال حاضر ما زنان در سطحی نیستیم که





بتوانیم جواب مناسبی باشیم برای ملزومات جنگ و مسئولیت‌های این مقطع زمانی. اثبات شده که راه آزادی از جنگ می‌گذرد، برای این که بتوانیم بهتر بجنگیم باید بهتر خود را سازماندهی کنیم. هرگاه بتوانیم سازماندهی‌ای قدرتمند ایجاد نماییم آنگاه می‌توانیم از اراده‌ای نیرومند صحت کنیم. به همین سبب اهدافمان از قبل مشخص است.

می‌توان ویژگی‌های زن کورد که اعم از میهن‌دوستی و تعهد [اجتماعی]، مصمم بودن و جسور بودن است را به خدمت انقلاب درآورد، به همین سبب باید چنان تلاش کنیم تا لایق مسئولیت‌های این مرحله باشد. هزاران شهید زن در صفوف حزب‌مان وجود دارد که رنج، تلاش و جان خود را برای آزادی فدا نموده‌اند و پیشرفت‌های جدی‌ای کسب نموده‌اند، نمونه آنان (بریوان، رحیمه، بسه، روناھی، زکیه، مزگین) می‌باشند. این رفقا هم در راه مبارزه آزادی ملی و هم در راه مبارزه برای آزادی زنان، پیشاهنگانی برای مرحله‌ای مهم بوده‌اند و برای تمامی رفقا و برای من نیز به سرچشمه‌ی نیرو، هیجان و جسارت تبدیل شده‌اند. بر علیه ارتجاع جامعه و به‌ویژه بر علیه برده‌سازی زنان، بایستی آن کینه و نفرت بزرگ را که در دل داریم با فکر و فلسفه و با ایدئولوژی و سیاست یکی گردانیم و مسئولیت‌های این مرحله را به موفقیت برسانیم و در راه مبارزه آزادی ملی نقش خود را بخوبی ایفا نماییم، به‌ویژه باید از لحاظ عملی گام‌هایی جدی برداریم.

بر این اساس تصمیم گرفته‌ام که گریلایی فدایی باشم، این نیز تنها برای شخص خودم نیست بلکه برای آن است که لایق رنج و تلاش‌های رهبر آپو و حزب‌مان پ.ک.ک باشم. همچنین برای این است که جوابی باشم برای انسان‌های سرکوب شده، به‌ویژه برای آزادی خلق کوردستان و حق آزادانه زیستن زنان کوردستان زیرا که تصمیم



نمایدگی آن چیزهایی را گرفته‌ام که در بالا به آن اشاره نموده‌ام. این‌ها به من نیرو و هیجان می‌بخشد و مملو از احساسات و زیبایی‌هایی شده‌ام که وصف ناپذیر است.

صیانت از راه و روش شهدای آزادی زنان و مقاومت‌گران کبیرمان، مسئولیتی استثنائی و بزرگ می‌باشد و احساسی مقدس به انسان می‌بخشد. برای داشتن احساس و پیمانی اینچنین با شکوه، خود را خوشبخت و خوش شانس می‌بینم. در شرایطی پیچیده، رنج و فداکاری‌هایی بی‌همتا انجام داده شده است. در چنین شرایطی مبارزان کوهستان و مبارزان زن باید کوشش کنند. برای این که رفقای مان بتوانند از تلاش و زحمات رهبر آپو و حزب مان پ.ک.ک صیانت به عمل آورند، باید خود را سازماندهی کنند، نیرومند و دارای اراده‌ای پولادین باشند. زیرا اعتقاد دارم که بتوانند آزادی آینده‌شان را خودشان بیافرینند. بر اساس این اعتقاد، برای تمام رفقای زن درود می‌فرستم.

\_ زنده باد مبارزه آزادی ما به رهبری رهبر آپو

\_ زنده باد آن زن کوردی باشکوهی که تحت رهبریت پ.ک.ک (PKK)

مبارزه می‌کند و آزاد می‌گردد

\_ مرده‌باد دولت فاشیست ترکیه

زیلان (زینب کناجی)



برای خلق میهن دوست کوردستان و تمام انقلابیون







در تاریخ هر خلقی اتفاقات مهم و برهه‌های پویایی تاریخی وجود دارند که سرنوشت آن خلق را متحول ساخته‌اند، مانند انقلاب بورژوائی فرانسه، انقلاب بلشویکی روسیه و ظهور اسلام. این انقلاب‌ها همانگونه که تاثیر به‌سزایی در سیر تحول تاریخ داشته‌اند، سرنوشت انسانیت را نیز مشخص و هدایت نموده‌اند. در سیر تاریخ انسانیت رهبرهای زیادی ظهور کرده‌اند که مهر خود را به تاریخ زده‌اند، به عنوان مثال ( اسکندر بزرگ، لنین و حضرت محمد). این شخصیت‌ها همانگونه که توانسته‌اند از حیث عملی برای خلق‌هایشان یک رهبر باشند، برای انسانیت نیز به رهبر مبدل شدند. اگر به تاریخ کورد توجه کنیم، خواهیم دید که تا چه اندازه تاریخ کورد اشتباه و بد نوشته شده و به پرتگاه رسیده‌است. در هر دو مرحله‌ی جوامع ابتدایی و برده‌داری، خلق کورد نقش موثری داشته اما به‌محض آنکه تحت حکمرانی پارس‌ها قرار می‌گیرند، آزادی خود را از دست می‌دهند و بعد از آن خلق کورد هرگز نتوانست خود را از فرودستی نجات دهد و اراده‌مند گردد. هزاران سال است که خلق کورد در زیر ستم ملت‌های فرادست قرار دارد و کوردستان نیز در طول تاریخ همیشه برای حکومت‌هایی که با یکدیگر اختلاف و جنگ داشته‌اند، میدان جنگ بوده است. خلق‌های دیگر، کم و بیش به میزان مهیا بودن شرایط، پیشرفت‌هایی را تجربه کرده‌اند اما این امر برای خلق کورد صدق نمی‌کند. جامعه کوردستان از حیث پیشرفت‌های اجتماعی در سطح پایینی باقی مانده است. خلق کورد در چندین مورد با شورش و قیام‌هایی سعی کرده تا میهن خود را آزاد نماید اما به سبب فقدان رهبریتی که بتواند موفقیت را میسر گرداند، خیانت داخلی و فقدان سازماندهی، قیام‌های کورد همیشه بی‌نتیجه مانده و شکست خورده‌اند. در تاریخ معاصرمان





می‌توان به قیام شیخ سعید در ۱۹۲۵ و قیام سید رضا در درسیم در سال ۱۹۳۷-۱۹۳۸ اشاره نمود که نمونه‌های بارز این مسئله می‌باشند. خلغمان نه تنها مهین، بلکه تمام احساسات ملی، زبان و قلب و مغزش نیز تحت استعمار درآمده و خود نیز این واقعیت ناگوار را پذیرفته است. استعمارگران کوردستان سیاست ( تفرقه بیانداز و حکومت کن ) را در کوردستان اعمال کرده‌اند، این سیاست را نیز با جنگ ویژه آمیخته کرده‌اند و این سیاست تهوع آور را به شیوه‌ای شدید، بر علیه خلق مان به کار بسته‌اند. سیاست (کشتار سفید) را که در ماهیت آن ژنوساید یک خلق و آسمیلاسیون ملی وجود دارد را بر خلق مان تحمیل نموده‌اند. در طول تاریخ کورد همیشه خیانت و مقاومت باهم زیسته‌اند و خیانت داخلی همیشه مانند یک لکه‌ی ننگ به قیام‌ها چسپیده‌اند و در اکثر موارد نیز موفق به سرکوب مقاومت و قیام‌ها شده‌اند.

پیشرفت تاریخ کورد به سمت پرتگاه، با ظهور (PKK) در تاریخ (۱۹۷۸/۱۱/۲۷) متوقف گشت. قبل از این واقعه انسان را در کوردستان ریشه‌کن می‌کردند. هزاران انسان کورد را از قتل عام گذراندند و از طریق «فاعل مجهول» و یا کنترا گریلا ( ضد گریلا ) مردم زیادی در کوردستان کشته شدند. بخشی از آن را با نابودی مواجه گردانده و بخشی از آنان را نیز از لحاظ روانی در حالتی مرده‌وار نگه‌داشته بودند. ابزارهای بسیاری را برای شکنجه دادن کوردها ایجاد نمودند و آنانی را که زنده به این مکان‌ها(شکنجه‌گاه‌ها) می‌بردند، مرده بیرون می‌آوردند. ما خلق کورد قربانی‌های بسیاری را متمحل گشتیم. این روزها جنگی شدید در کوردستان در حال وقوع است و حزب مان پ.ک.ک با حمله‌های همه جانبه‌ی دشمن روبه‌رو است. حزب هر



روزه پیشرفت‌هایی حاصل می‌کند و مدام در حال گسترش و نیرومند شدن است. تاثیرگذارتر و با عظمت بیشتری به دشمن ضربه می‌زند و موفقیت را نزدیک‌تر می‌گرداند. به همین خاطر وجود نیروهای گریلامان، دشمن را با زیان مادی و جانی روبه‌رو گردانیده است. جبهه‌ی ما (ERNK) گسترده شده و خود را به همه‌ی دنیا رسانده است و خلق‌مان را در خود سازمان می‌دهد و سیاست جنگ ویژه‌ی ترکیه را رسوا و به همه‌ی دنیا معرفی می‌کند. هر روزه انسان‌های کوردستان بیش از پیش جایگاه خود را در صفوف انقلاب و جنگ می‌یابند، همزمان با اعلان مجلس کوردستان و ایجاد نهادهای ملی، حزب‌مان گام به گام به سوی اتورितه‌ی خلق سوق یافته است. بدون شک در این جنگ قربانی‌های زیادی داده‌ایم و این نیز بدین خاطر است که با نیروهای وحشی دولت ترکیه که پشتیبانی امپریالیسم را با خود دارند، در حال جنگ هستیم. اما این نخستین بار است که خلق کورد در تاریخ توانسته تا این اندازه نیرومند گردد، دارای احساس میهن‌دوستی گردد، به یک ملت تبدیل و به آزادی نزدیک شود و نخستین بار است که تا این اندازه دارای کرامت هستیم و با افتخار به انسانیت می‌نگریم. این نیز بدین خاطر است که ما دیگر برای آزادی می‌جنگیم و این جنگ ما نیز به سمبل حماسه و زیبایی مبدل گشته است. بدین صورت این جنگ را به دارایی تمام انسانیت تبدیل کرده‌ایم و این نیز یکباره روی نداده بلکه با مقاومت رفقای هم‌چون (مظلوم، کمال، خیری، فرهاد، بریوان، بریتان و رونا‌هی) به وقوع پیوسته است.

لازم است از این فرهنگ مقاومت، که آن رفقا آغازش کردند و تا آخرین نفس و قطره خونشان بر آن اسرار ورزیدند، صیانت به عمل آوریم.



برای اعلان تعهد خود به رهبر آپو، حزبمان پ.ک.ک، شهدای انقلاب و مقاومت زندان‌ها و گریلاهای کوهستان و برای تعهدم به خلق و میهنم، این عملیات فدایی را انجام می‌دهم و با نیرو و هیجانی که از خلقم گرفته‌ام، با شجاعت به دشمن یورش می‌برم.

ما از هر کسی بیشتر صلح‌طلب هستیم و به برادری خلق‌ها اعتقاد داریم، از هرکسی بیشتر انسان دوست و طبیعت دوستیم و به زندگی و زیبایی متعهدیم. این عشق ما، ما را به مبارزه و فعالیت وامی‌دارد. به مرگ و کشتار علاقه‌ای نداریم اما برای این که به آزادی برسیم هیچ حق انتخاب دیگری نداریم. مقصر اساسی این جنگ، امپریالیسم و دولت ترکیه‌ی مزدور امپریالیسم است و سکوت در برابر این [جنایات] بزرگترین جرم می‌باشد.

### پیام من به تمام انسانیت:

اگر نمی‌خواهید شریک جرم آن جنایتی باشید که بر علیه انسانیت در کوردستان در حال وقوع است، باید حمایت و همکاری خود را با خلق کورد اعلان داریم، باید آن چیزهایی را که امپریالیسم در مغز و دل‌مان کاشته را دور ریخته و به پیام‌های یک خلق برای آزادی گوش فرا دهیم. در پیام برادری خلق‌ها، ارزش‌ها، مقدسات انسانی و دوستی وجود دارد.

### برای خلق میهن دوستم:

در تلاشم تا با این عملیات، امیدی برای شما باشم، برای آزادی آینده‌تان. ما همراه با هزاران دختر و پسر شما در کوهستان‌ها درحال مبارزه هستیم و نه یک بار بلکه هزاران بار، آماده‌ایم تا جان‌مان را





فدا کنیم. اکنون مبارزه آزادی ما در مرحله‌ای بسیار دشوار قرار دارد و باید شما هم طرف خود را معلوم کنید، زیرا جنگ ما، جنگ خلق است. به همین خاطر ملزومات نبرد خلق را مهیا نماییم. همانگونه که می‌گویند «درخت آزادی را با خون آب می‌دهند» لازم است که به آسانی از آزادی دست برداریم. باید به خوبی این مهم را درک نماییم که میهنم بسیار با ارزش است و به همین خاطر است که دشمنان تا این حد مصمم است و دستبردار میهنان نیست، پس چرا ما مصمم نباشیم؟ به غیر از جانمان چیز دیگری داریم تا از دست دهیم؟ لازم است انتخاب ما مرگی با ارزش و با کرامت باشد نه زندگی‌ای بی کرامت و گسسته از ارزش‌های مقدس. همانگونه که تا به حال خلق از میراث مقاومت پ.ک.ک صیانت کرده است و قربانی‌های بسیاری نثار کرده در این مقطع نیز با تکیه بر آن، به آزادی نزدیک شده است و بر این باور هستیم که آزادی آینده‌اش را با دست خود عملی می‌گرداند. خلق‌مان آماده است تا بهای بیشتری نیز پردازد و اینگونه در جامعه‌ی انسانی، باکرامت و شرافت جای خواهد گرفت و به همین سبب به آنان درود می‌فرستم.

\_ مرده‌باد امپریالیسم و استعمارگری و تمام شیوه‌های ارتجاع.

\_ برخورداری خلق‌مان از حقیقت و ارتش خویش پیروز باد.

\_ زنده باد رهبر آ‌پ‌و.

زیلان ( زینب کناجی )





برای رهبر آپو 



در سال ۱۹۷۲ در شهر ملاطیه به دنیا آمده‌ام. اسم من زینب کناجی است و اصالتا اهل روستای (الماله) از توابع شهر ملاطیه و از عشیره‌ی (مورالی) هستم. فارغ تحصیل رشته‌ی روانشناسی و مدیریت از دانشگاه (اینونو) در ملاطیه هستم و قبل از اینکه به صفوف انقلاب پیوندم، در بیمارستان شهر ملاطیه و در بخش آزمایشگاه اشتغال داشتم. من ازدواج کرده‌ام و شوهرم اهل روستای (خلیلیه) از منطقه‌ی (اخیل) از توابع شهر بزرگ آمد (دیاریکر) می‌باشد و او نیز در همان رشته‌ی من تحصیل کرده است. او در سال ۱۹۹۵ و در حالی که به فعالیت‌های مربوط به حزب مشغول بود دستگیر و به زندان فرستاده شده است. خانواده ما از لحاظ اقتصادی در سطح معمولی قرار دارد. خانواده‌ام از یک طرف تحت تاثیر فئودالیسم و از طرفی تحت تاثیر خرده‌بورژوازی و کمالیسم است. تا حدی آزادانه بزرگ شده‌ام. در میان اقوام ما، میهن دوستی جایگاه زیادی نداشت اما در میان جوانان، طرفداران انقلاب وجود داشت. برادر من تا حدی با حزب در ارتباط بود. اقوام همسرم از لحاظ اقتصادی ثروتمند بودند و از لحاظ اجتماعی تحت تاثیر فئودالیسم بودند و میهن دوست نبودند. وقتی که در مقطع تحصیلی ابتدایی بودم، به کورد بودن و چپ‌گرایی علاقه پیدا کردم و کاوش من در باب معنای زندگی در این برهه از زندگی‌ام اتفاق افتاد اما خویش را در هیچ راهی نمی‌یافتم. در دوران دانشجویی‌ام بیشتر به سمت چپ‌گرایی مایل شدم و با (PKK) وارد ارتباط شدم. جوانه زدن کورد بودن در من تحت تاثیر فرهنگ کوردی‌ای بود که در خانواده‌ام باقی مانده و توانسته بود که خود را حفظ نماید. میهن دوستی در میان دوستانم به سازماندهی مبدل نگشت و پیشاهنگی‌ای در کار نبود. درآمد کم خانواده‌ام از لحاظ اقتصادی سبب شد تا من دیرتر تصمیم



خود را در باب انقلابی‌گری قطعی نمایم. در این برهه از زندگی‌ام از لحاظ فکری خود را قانع کرده و آنرا درک کردم، در نتیجه به صفوف انقلاب پیوستم. در سال ۱۹۹۴ در شهر آدانا به فعالیت‌های سازماندهی خلق پرداختم. حدود یک سال این فعالیت را ادامه دادم علی‌رغم آن‌که آموزش آنچنانی ندیده بودم زیرا که رفقای مدیریت بعد از مدتی توسط دولت دستگیر شدند و به همین سبب شرایط برایم مساعد نبود و این نیز به خودی خود بر شخصیت من تاثیرگذار بود و من را بی‌تاثیر نمود و حتی نتوانستم از حیث شخصیتی خود را تغییر دهم. هرچند که من مصمم بودم اما به دلایلی که ذکر کردم، نتوانستم موفقیت زیادی کسب کنم. در سال ۱۹۹۵ و از شهر درسیم به صفوف ارتش رهایی‌بخش خلق کوردستان (ARGK) پیوستم و تا حدی شخصیت خود را شناختم و پیشرفت نمودم. می‌توانم بگویم که از لحاظ تصمیم، افکار و عقاید وهیجان، احساس می‌کردم که نیرومند شده‌ام.

پیشرفت‌هایی که با رهبریت (PKK) میسر می‌گردند، به دارایی انسانیت تعلق دارند. تلاش‌های مان به امیدی برای رسیدن به سوسیالیسم متعالی برای خلق‌های فرودست، تبدیل می‌شود. تلاش‌های مان بر علیه قتل‌عام و نابودسازی‌ها، در مرحله‌ی اول خلق کورد را از وضعیت [اسفباری] که بر خلق تحمیل می‌شد رها نمود و سپس خلق را به سطحی رساند که لایق‌اش باشد. زندگی بخشیدن به خلقی که ارزش‌های ملی خود، ذهن و روح خود را به دشمن‌اش تسلیم کرده باشد، کار آسانی نیست و به مسئولیت‌پذیری، تاریخ‌شناسی، آینده‌نگری، جسارت، فداکاری و بزرگ‌منشی باشکوهی نیاز دارد. دیگر این موضوع آشکار است خلقی که از میهن دوستی





دور گشته، خود را تسلیم دشمنانش کرده و بی‌میهن مانده و در عین حال تاریخ او با انحطاط روبه‌رو گشته و خود را به مانند خدمتکار به امپریالیسم تقدیم می‌کند، نمی‌تواند رهبر و روشنفکران خود را خلق نماید. این نیز واقعیت خلق کورد قبل از به وجود آمدن انقلاب آزادی ملی ما بود. شیوه‌ای که رهبر آپو توسط آن پ.ک.ک را تاسیس نمود باعث شد خلقی که با نابودی روبه‌رو مانده بود به وضعیت برخلاف آن درآمد. خلق کورد را از خواب مرگ بیدار نمود و به آن زندگی بخشید و او را به سطحی رساند که هم بجنگد و هم زندگیش را اداره کند. همانگونه که شاعر بزرگ خلق مان احمد خانی می‌گوید «اگر دارای رهبریتی باکرامت و راستگو می‌بودیم هرگز به برده‌ی عرب، ترک و فارس مبدل نمی‌گشتیم». در تاریخ کوردستان رهبرهای فریبکار زیادی وجود دارند که منافع خانوادگی، ایلی و طایفه‌ای خود را مبنا قرار داده و از حقیقت ملی خود دور گشته‌اند. اینها دلایلی دال بر تداوم این واقعیت ناگوار در کوردستان هستند. وقتی به تاریخ هر خلقی به‌ویژه در دوران انقلاب‌هایشان توجه کنیم، می‌بینیم تا زمانی که پیروز گشته‌اند به مبارزه اهمیت داده‌اند. چیزی که مهر خود را بر آن دوران زده است حقیقت رهبریت آنان می‌باشد. تاریخ این مهم را به اثبات رسانده که هیچ جنبش ملی و طبقاتی، بدون وجود رهبر نتوانسته به پیروزی دست یابد زیرا که پیشرفت‌های لازم برای هر دورانی در شخصیت رهبر نمود پیدا می‌کند و رهبر زندگی خود را وابسته به زندگی خلق می‌داند. رهبر سرنوشت خود را در سرنوشت خلق می‌یابد، درد و احساس و مطالبات خلق را در درجه‌ای بسیار عمیق حس می‌کند و برای رهایی بخشیدن به خلق، وظایف عملی را در سطح بالایی به عهده می‌گیرد.





خلق مان از حقیقت خود دور گشته و در همه‌ی عرصه‌ها روبه نابودی رفته است و از حقیقت مبرا گشته است پس نمی‌توانیم آن را با هیچ خلق دیگری مقایسه کنیم. از حیث فرهنگی، ملی، سیاسی و اجتماعی از تمام ارزش‌هایش دور گشته و بدون شک برای مقابله با این واقعیت، واقعیت رهبریت پ.ک.ک باید بسیار متفاوت از واقعیت کنونی خلق مان باشد. از همین حیث واقعیت رهبریت پ.ک.ک از هر جهتی ویژه می‌باشد، به‌روز و پیشرفته است و در خدمت زندگی انسانیت می‌باشد. مسئله‌ی شگفت‌انگیز در زندگی رهبری موارد ذکر شده در بالا می‌باشد و چنین مسئله‌ای از آن دسته مسائلی نیست که بتوان در مورد آن اظهار نظر کرد.

وقتی که به تاریخ انقلاب خلق‌ها هم از لحاظ رهایی ملی و هم مبارزه طبقاتی بنگریم، خواهیم دید که برای عملی ساختن آن‌ها، [این خلق‌ها] هم در بعد فرهنگی و هم در بعد اجتماعی دارای شرایط مناسبی بوده‌اند. معضل آسمیلاسیون ملی را ندارند و مسئله‌ی شخصیت در آنان به اندازه‌ای که در کوردستان عمیق و پیچیده است، وجود ندارد. تاریخ این خلق‌ها به اندازه‌ی تاریخ خلق کورد با انحطاط روبه‌رو نگشته و جنس زن در آن جوامع به اندازه‌ی کوردستان با سرکوب و فرودستی مواجه نگشته‌اند و تا به حال آنگونه که دین را بر علیه خلق کورد به‌کار بسته‌اند، بر علیه هیچ خلقی بکار بسته نشده است. با وجود تمام این‌ها آن خلق‌ها در برابر وضعیتی که در آن قرار دارند، معترض‌اند و با حرص و نفرت به وضعیت‌شان می‌نگرند. در مقایسه با جامعه‌ی ما، جوامع دیگر تا حدی دارای آزادی، برابری، روشنفکری، علم و معرفت می‌باشند که رهبران‌شان می‌توانند از آن نیرو بگیرند. این ویژگی‌ها در کوردستان در وضعیتی رو به نابودی قرار داشتند.



رهبریت حزب‌مان از وجهه‌های ضعیف جامعه آغاز به کار کرد، از مسئله‌ی دین گرفته تا مسئله‌ی شخصیت و حتی مسائل مربوط به زن و خانواده را به شیوه‌ای متفاوت و عالمانه‌تر بررسی نمودند. در انقلاب روسیه، دیدگاه (لنین) نسبت به مسئله‌ی زنان سطحی بود. سازمان یافتن زنان به صورت نیروی نظامی و کنگره و کنفرانس‌هایی که در انقلاب ما رخ داده، در تمام دنیا بی‌همتاست و برای اولین بار است که رخ می‌دهند.

شیوه و راهکار زندگی رهبریت‌مان بر مبنای فداکاری، جسارت، نیروی تحلیل و پیشبینی مسائل، هوشیاری، علمی بودن و آزمون می‌باشد. این ویژگی‌های رهبرمان، با هیچ رهبر دیگری قابل مقایسه نیست. رهبریت‌مان بخوبی توانسته ویژگی انقلاب‌های موجود در جهان را ببیند و ویژگی‌های انقلاب کوردستان را مشخص سازد و مسائل موجود در کوردستان را به شیوه‌ای شابلونی و تقلیدی ارزیابی نکرده بلکه آنان را به شیوه‌ای ویژه و علمی مورد ارزیابی قرار داده است. حقیقت سوسیالیسم رئال را به خوبی تحلیل نموده و بعد از بررسی توانست آن را با فرمولی مخصوص به کوردستان، عملی نماید. پ.ک.ک نمایانگر حقیقت رهبریت آن است و پیشرفت‌هایی که امروزه در کوردستان رخ داده‌اند، از زحمات ایشان میسر گشته است و به همین علت رهبر آپو به سرچشمه‌ی عشق، اتحاد و همبستگی تبدیل شد و توانسته‌اند که در خود، جوهره، ساختار و جلوه‌ای از یک شخصیت نوین را ایجاد نمایند و اثبات نمودند که انسان می‌تواند تا چه حدی پیشرفت نماید. پیشرفت‌هایی که مبارزه‌رهایی خلق کورد با شعار «با تعزبی شدن، نیروی نظامی و اجتماعی بودن، موفقیت را به دست خواهیم آورد» به دست آورده است، خلق کورد را به سطحی رسانده تا بتواند درکی



صحیح از حقیقت دشمن داشته باشد و دولت ترکیه را از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بی‌چاره نماید. مبارزه‌رهایی خلق‌مان، تمام کوردها و میلیون‌ها انسان را در آغوش می‌گیرد و آنان را در جهت خدمت به سوسیالیسم هدایت می‌نماید. در این مقطع که گام‌هایی به‌سوی موفقیت برمی‌داریم، آنهایی که به امید آزادی و سرافرازی خلق مبدل گشته‌اند، باید به سطحی برسند که لایق زندگی، فکر و مبارزه رهبر آپو باشند و باید به بهترین نحوه‌ی ممکن، مسئولیت‌های کنونی را انجام دهند. مقاومت و قهرمانی‌ای که حزب‌مان در تاریخ مبارزه نشان داده است، در عقل انسان نمی‌گنجد و [هرکس] در فهم آن دچار مشکل می‌شود، چرا که با عزم و اعتقادی راسخ انجام گرفته است.

مسئولیت ما است که از میراث این مقاومت که (PKK) آفریده، صیانت به عمل نماییم. این مقطع زمانی، عملیات فدایی را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل نموده و از حیث گسترش تاکتیک‌های جنگی می‌تواند یک حرکت مفید و نوین باشد و به نیرو و هیجانی بزرگ مبدل گردد. دشمن در یک حمله، سعی در ترور رهبرمان نموده است و بهترین پاسخ برای دشمن در این مقطع زمانی، چنین عملیاتی است. این عملیات فدایی نیرو و معنویات دشمن را درهم می‌شکند، آنان را تحت فشار قرار داده و کوردستان را برای‌شان به زندان مبدل می‌گرداند. برای ما، یعنی برای خلق و گریلا به سرچشمه‌ی نیرو و معنویات تبدیل می‌شود و راهکارهای مقاومت را نیرو می‌بخشد. برای دوستان و دشمنان‌مان نیز پیامی است، این که ما در مطالبات خود تا چه اندازه راسخ و مصمم هستیم و در قبال آزادی حاضریم بدنه‌مان رابه مبدل گردانیم و دشمن را منفجر گردانیم. این عملیات میزان مهم





بودن آزادی و مطالبات مان را برای همه مشخص می‌گرداند و اشاره‌ای است بر آن که پیشاهنگی راهکارهای آزادی و تمام ابعاد جنگ به دست خلق مان انجام می‌گیرد.

### رهبر من:

برای انجام عملیات فدایی خود را آماده می‌بینم. در برابر تلاش و کوشش‌های شما جان خود را هم فدا کنیم، کم خواهد بود و ای کاش از جان مان چیز بیشتری می‌داشتیم تا فدا کنیم. شما با زندگی خود یک خلق را دوباره زنده کردید و ما نیز ثمره‌ی زحمات و مبارزه شما هستیم. شما ضمانت خلق کورد و انسانیت هستید. زندگی شما، به ما جسارت، باورمندی، عشق و کرامت می‌بخشد. خلق کوردستان و میلیون‌ها انسان، تاحد مرگ خود، به شما وابسته هستند. این حقیقت شما بر ما به شدت تاثیر می‌گذارد و در موقعیت‌های سخت یا پیچیده، عشق و محبت شما را به یاد می‌آوریم و این نیز به منبع نیروی معنوی برای ما مبدل گشته است. شما از هر کسی بیشتر به شهیدان وابسته‌تر هستید و بر اساس این روشنایی‌ها هیچگاه نگاه مان به عقب نخواهد بود و انجام این عملیات را وظیفه‌ی خود می‌دانم و احساس مسئولیت دارم. می‌خواهم ویژگی‌های ارتجاعی را پشت سر نهم، شخصیت خود را ساخته و خود را آزاد نمایم. معتقدم که راه عملی ساختن آن‌ها از جنگ می‌گذرد و باید ملزومات جنگ را میسر گردانیم و این عملیات نیز یکی از ملزومات اکنون برای جنگ می‌باشد. می‌خواهم پیرو میراث مقاومت رفقا (مظلوم، کمال، خیری، فرهاد، بسه، بریتان، بریوان و روناهی) باشم و از آن صیانت به عمل آورم. می‌خواهم به گزارشی از مطالبه‌ی آزادی خلقم مبدل گردم و بر علیه آن سیاست امپریالیسم که زنان را برده می‌گرداند، خود را منفجر





می‌کنم و با این کار می‌خواهم میزان کینه و نفرتی را که نسبت به این سیاست‌های نامشروع در دل دارم، نشان دهم و به سمبل دوباره زنده شدن زن کورد مبدل گردم.

دعوت من به زندگی بسیار نیرومند است و می‌خواهم دارای زندگی با معنا و عملیاتی با شکوه و با هیبت باشم. با رهبریت رهبر آپو مبارزه‌رهایی ملی‌مان در مدت کوتاهی به موفقیت خواهد رسید و خلق ستم‌دیده‌مان به سطحی رسیده است که در جامعه‌ی انسانی جای بگیرد. بر این اساس، در برابر رهبر آپو، تمام شهدای خلق کورد، مبارزان آزادی و کادرهای محلی در صفوف خلق، رفقای‌مان در زندان، خلق کوردستان و تمام انسانیت تعهد خود را تکرار می‌کنم و برای اینکه لایق‌شان باشم، عهد و پیمان خود را به جای می‌آورم.

دعوت من به زندگی بسیار نیرومند است و می‌خواهم دارای زندگی با معنا و عملیاتی با شکوه و با هیبت باشم، چرا که به شدت انسان و زندگی را دوست دارم، این عملیات را انجام می‌دهم.

\_ زنده‌باد رهبر آپو

\_ زنده‌باد مبارزه‌رهایی ملی‌مان

\_ مرده‌باد دولت ترکیه فاشیست

زیلان (زینب کناجی)



# آلبوم عکس شهید زیلان



















در سال ۱۹۷۲ در شهر ملاطیه به دنیا آمده‌ام. اسم من زینب کناجی است و اصلاتا اهل روستای (الماله) از توابع شهر ملاطیه و از عشیره‌ی (مموالی) هستم. فارغ تحصیل رشته‌ی روانشناسی و مدیریت از دانشگاه (ایتونو) در ملاطیه هستم و قبل از اینکه به صفوف انقلاب بپیوندم، در بیمارستان شهر ملاطیه و در بخش آزمایشگاه اشتغال داشتم.

.....

دعوت من به زندگی بسیار نیرومند است و می‌خواهم دارای زندگی با معنا و عملیاتی با شکوه و با هیبت باشم. با رهبریت رهبر آپو مبارزه رهایی ملی‌مان در مدت کوتاهی به موفقیت خواهد رسید و خلق ستمدیده‌مان به سطحی رسیده است که در جامعه‌ی انسانی جای بگیرد. بر این اساس، در برابر رهبر آپو، تمام شهدای خلق کورد، مبارزان آزادی و کادرهای محلی در صفوف خلق، رفقای‌مان در زندان، خلق کوردستان و تمام انسانیت تعهد خود را تکرار می‌کنم و برای اینکه لایق‌شان باشم، عهد و پیمان خود را به جای می‌آورم.